یادداشت

فرسایش تدریجی هژمون

ادامه از صفحه اول

در ادامه، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نقش تنظیم را داشت. این تفاهم برای توقف فشار نبود؛ برای جلوگیری از جهش تنش بود. آمریکا می‌خواست فشار ادامه پیدا کند، اما نمی‌خواست به درگیری گسترده تبدیل شود. تفاهم‌نامه، شدت را در همان سطح قابل مدیریت نگه داشت و اجازه داد مدیریت سطح تنش ادامه پیدا کند. تهران نیز با پذیرش این تفاهم، ضمن حفظ چارچوب، فرصت تنفس دیپلماتیک برای مدیریت پیامدهای بستن تنگه به دست آورد. به موازات این تحولات، مسیر دیپلماسی پشت پرده فعال شد. مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط، بستر تبادل پیام و کاهش سوءتفاهم‌ها را فراهم کرد. این مذاکرات، اگرچه به توافق نهایی نرسید، اما به دو طرف اجازه داد خطوط قرمز خود را شفاف کرده و از ورود به یک تقابل بی‌حساب جلوگیری کنند. تهران از این مسیر هم برای انتقال پیام‌های مربوط به تنگه هرمز استفاده کرد و هم برای سنجش میزان پایبندی واشینگتن به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد. این کانال، مکمل فشار میدانی بود و به تنظیم تنش کمک کرد، بدون اینکه جایگزین ابزارهای نظامی یا اقتصادی شود.

در سطح منطقه، آمریکا تصمیم گرفت تلاش برای فرسایش تدریجی هژمون شبکه‌ای ایران را در پیش بگیرد. هژمون در این دوره، خود ایران نبود؛ سه مسیر لبنان، عراق و یمن بود. این سه مسیر، ظرفیت منطقه‌ای ایران را حمل می‌کردند و واشینگتن تصمیم گرفت این ظرفیت را به صورت تدریجی کاهش دهد. فشار بر این سه مسیر برای تغییر سریع میدان نبود؛ برای کاهش تدریجی توان ایران بود. این فشار، یک فشار شبکه‌ای بود؛ فشاری که شدت را بالا نمی‌برد، اما اجازه نمی‌داد شدت کاهش پیدا کند. در مقابل، ایران با تقویت هماهنگی میان این سه محور و افزایش اقدامات تاکتیکی، تلاش کرد هزینه این تلاش برای فرسایش را برای آمریکا بالا ببرد. ابتکارات دیپلماتیک تهران نیز در همان دوره، ازجمله رایزنی‌های منطقه‌ای با کشورهای همسو، بخشی از این فشار را خنثی کرد و نشان داد که ایران صرفا به ابزارهای نظامی اکتفا نمی‌کند.

در جنوب ایران، فشارهای نظامی محدودی اعمال شد. این فشارها برای حفظ فشار بود، نه برای گسترش آن. آمریکا می‌خواست ایران در همان سطح قابل مدیریت باقی بماند. این فشارهای محدود، شدت را ثابت نگه داشت و اجازه نداد تنش جهش کند. ایران نیز با افزایش گشت‌های دریایی و تغییر الگوی تردد شناورها، تلاش کرد ضمن حفظ بازدارندگی، از واکنش گسترده‌تر جلوگیری کند.

در مجموع، پساجنگ رمضان دوره‌ای بود که در آن آمریکا تصمیم گرفت رقابت را در یک سطح ثابت نگه دارد. ایران محیط را تغییر داد، اما واشینگتن مسیر را بازتعریف کرد و منطقه را وارد یک فشار شبکه‌ای کرد. هدف نهایی آمریکا، کاهش تدریجی نفوذ منطقه‌ای ایران و فرسایش توانمندی‌های سه مسیر لبنان-عراق-یمن بود، بدون ورود به درگیری مستقیم. نتیجه این سه‌گانه، یک رقابت آرام اما مداوم بود؛ رقابتی که هدف آن تلاش برای فرسایش تدریجی هژمون سه مسیر بود، نه نابودی سریع آن. این رقابت، با مدیریت سطح تنش، بازتعریف مسیر و کاهش تدریجی توان پیش می‌رفت؛ بدون جهش، بدون توقف و بدون ورود به درگیری گسترده.

با این حال، این راهبرد با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. هزینه‌های اقتصادی حفظ این سطح از فشار برای آمریکا و توانایی ایران در انطباق با شرایط جدید و حفظ هماهنگی میان محورهای مقاومت، کارایی این راهبرد را با چالش مواجه کرد. تجربه میدانی نشان داد راهبرد فرسایش، برخلاف محاسبات اولیه واشینگتن، نتوانست ایران را به تغییر رفتار راهبردی وادارد.

در این ساختار، خلیج فارس یک محیط تصمیم بود؛ محیطی که هر تغییری در آن، مسیر رفتار طرف مقابل را جابه‌جا می‌کرد. بستن تنگه هرمز، مسیر عمان، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، مذاکرات مسقط، فشار بر محور لبنان-عراق-یمن و فشارهای محدود جنوب، همه اجزای یک مدیریت سطح تنش بودند؛ مدیریتی که برای جلوگیری از گسترش جنگ به کار گرفته شد.

پایان این فشار، با یک حادثه ناگهانی نیست، همراه با یک کاهش تدریجی است؛ کاهشی که با مدیریت سطح تنش، بازتعریف رفتار و تلاش برای فرسایش هژمون پیش می‌رود. آمریکا در این دوره نشان داد که هدفش نه توقف جنگ و نه گسترش آن، بلکه نگه‌داشتن ایران در یک سطح ثابت است؛ سطحی که در آن تلاش برای فرسایش هژمون ادامه دارد و شدت جنگ تغییر نمی‌کند. اما آنچه این راهبرد را از موفقیت کامل دور نگه داشت، توانایی ایران در حفظ ابتکار عمل و انطباق با شرایط جدید بود؛ عاملی که معادلات واشینگتن را پیچیده‌تر از محاسبات اولیه‌اش کرد.

چرا دولت‌ها در توسعه ایران ناکام‌اند؟

ادامه از صفحه اول

در پارادایم جدید امنیت در رابطه با اقتصاد معنا می‌شود. چنانکه به گفته میلان بابیچ، استاد اقتصاد سیاسی، اقتصاد دیگر تنها بستری برای انباشت ثروت نیست و بلکه خود نوعی سلاح است و رقابت بر سر نیمه‌هادی‌ها یا زیرساخت‌های انرژی، نه‌فقط مسئله‌ای تجاری بلکه نبردی برای بقای استراتژیک است؛ هر تراکنش مالی می‌تواند کنشی دفاعی باشد و هر سرمایه‌گذاری خارجی پیشروی استراتژیک. در نظم در حال ظهور «ژئواکونومیک» از یک سو شاهد اعمال قدرت بر جریان‌های تجاری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، زیرساخت‌های جهانی، زنجیره‌های تأمین حیاتی (مانند عناصر نادر خاکی یا نیمه‌رسانه‌ها) و کنترل بر آنها هستیم و از سوی دیگر بازیگران اصلی این نظم ژئواکونومیک تنها دولت‌ملت‌ها (آن‌گونه که نظم ژئوپلیتیک القا می‌کند) بلکه قدرت افسانه‌ای شرکت‌های بزرگ بین‌المللی قرار دارند که ظرفیت‌های مالی‌شان از بسیاری از کشورها فراتر است. در این چارچوب قدرت دولت در تعامل با بازارها، نهادهای خاصی چون صندوق‌های ثروت ملی و دیگر شرایط ساختاری معنا می‌شود.

در چارچوب ژئواکونومی منطق جنگ در بسیاری از عرصه‌ها جای خود را به منطق تجارت داده و نرخ رشد و تسلط بر زنجیره‌های تأمین، به اندازه تسلیحات نظامی در تعیین سرنوشت ملت‌ها اهمیت یافته است.

(ژئواکونومی؛ کالبدشناسی نظم نوین جهانی - میلان بابیچ).

۳- در هفت برنامه توسعه که مهم‌ترین اسناد سیاست‌گذاری کشورند، دستیابی به رشد اقتصادی که متضمن افزایش رفاه و آسایش جامعه است، نقش کانونی داشته است. مقصودی که در برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و تشکیل سازمان برنامه در اواسط دهه ۲۰ (۱۳۲۷) و قبل‌تر از آن و از زمان وقوع جنبش مشروطه که امسال در ۱۲۰ سالگی آن به سر می‌بریم (۱۴ مرداد ۱۲۸۵) نیز سابقه داشته است. آمال ایرانیان طی بیش از یک‌ونیم قرن اخیر و از پس دو شکست سنگین از روسیه و نتایج فاجعه‌بار آن (معاهدات گلستان و ترکمنچای)، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و ارتقای رشد و توسعه و غلبه بر عقب‌ماندگی بوده است. آرزویی که حاکمیت قانون، در کانون آن است و در پیوند با منافع ملی به عنوان «هم‌افزایی صلح‌آمیز اراده‌های آزاد آحاد ملت در بستر یک ساختار حقوقی در جهت برآورده‌کردن نیازها و خواسته‌های متقابل آنها» (موسی غنی‌نژاد و شاهین کارخانه- ۱۴۰۵/۴/۲۲) قرار دارد. آرمان و اشتیاقی که امید است با «واقع‌گرایی» و فهم جهان بیرون و مستقل از قطب‌بندی‌های کاذب ذهنی در این روزهای سخت گره خورده و بزنگاهی برای رستاخیزی ملی بسازد: «دولت باید نیروی خود را در داخل کشور فقط در راستای اجرای قوانینی برآمده از خواست و آگاهی همگانی و نه میل و خواسته خود و در خارج کشور، جهت جلوگیری از تعرض و هجوم بیگانگان و یا جبران خسارات واردشده از سوی جوامع بیگانه و حفظ و تأمین امنیت در برابر هجوم آنها به کار برد و این قدرت نباید به هیچ منظور دیگری جز برقراری صلح، امنیت و آسایش همگانی به کار رود» (جان لاک- همان).

جنگ در خلیج فارس روزهای سرنوشت‌سازی برای مهم‌ترین خطوط لوله انتقال انرژی در منطقه رقم زد؛

خروج نفت عراق از بن‌بست؟

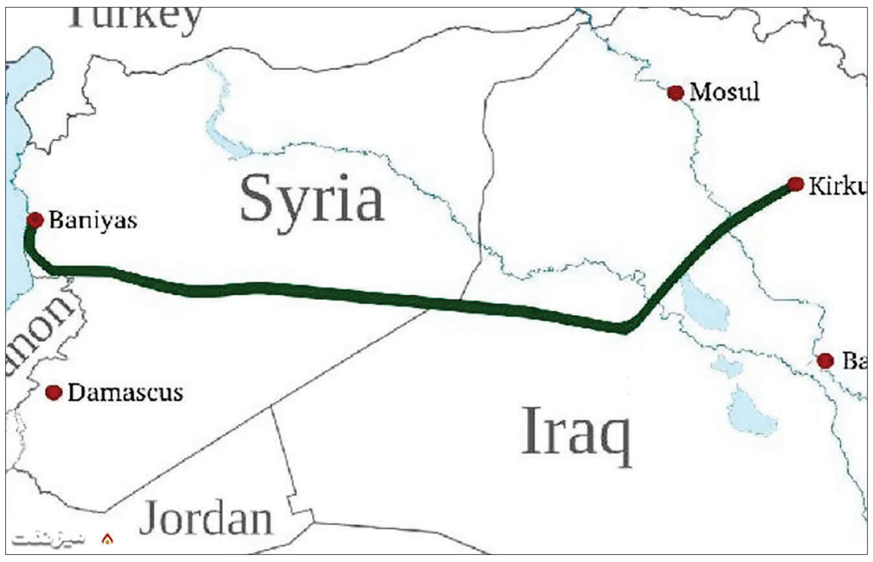

مریم شکرانی: جنگ در خلیج فارس، شاید بیش از همه عراق را متضرر کرد و صادرات نفت این کشور را تقریبا به صفر رساند؛ رخدادی که برای یک کشور کاملا نفتی می‌تواند به معنی بروز آشوب و ناآرامی‌های داخلی باشد. این مسئله حالا پیشنهادهای متعددی را برای دورزدن تنگه هرمز روی میز عراقی‌ها گذاشته است. در همین زمینه آمریکا با همکاری سوریه درصدد احیای خط لوله انتقال نفت کرکوک-بانیاس برآمده است. ماجرا اما به همین جا ختم نمی‌شود و بررسی پیشنهادهای روی میز عراق و سوریه نشان می‌دهد که سیل سرمایه‌گذاری به سمت خط لوله‌های مهم انتقال انرژی در این منطقه سرازیر شده‌اند تا وابستگی بازار انرژی جهان به تنگه هرمز را کاهش دهند.

صادرات نفت عراق درکما

جنگ در خلیج فارس و انسداد تنگه هرمز، صادرات نفت عراق را تقریبا به صفر رساند. دیده‌بان اقتصادی عراق «اکوعراق» اعلام کرده است که از زمان بسته‌شدن تنگه هرمز تا پایان خرداد ۱۴۰۵ عراق چیزی حدود ۳۵۰ میلیون بشکه از صادرات نفت خود را به ارزش ۳۷٫۷ میلیارد دلار از دست داده است. بر اساس این گزارش عراق تا قبل از بسته‌شدن تنگه هرمز ماهانه ۱۰۳ تا ۱۰۷ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد اما انسداد تنگه هرمز ماهانه بین ۷۹ تا ۹۳ میلیون بشکه صادرات نفت این کشور را کاهش داده است.

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که اقتصاد عراق به‌شدت به نفت وابسته است و سقوط سنگین صادرات نفت عراق نگرانی‌های زیادی برای ناامن‌شدن این کشور به دنبال داشته است. در همین زمینه میدل‌ایست نیوز از قول کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نوشته است که توقف صادرات نفت از تنگه هرمز، عراق را با خطر درگیری‌های داخلی مواجه می‌کند.

او تأکید کرده است: «اختلال در صادرات نفت عراق از این آبراه، دولت بغداد را در تأمین بودجه خدمات عمومی ناتوان کرده است و کشور را با خطر جدی بروز درگیری‌های داخلی مواجه می‌کند. چراکه بخش اصلی درآمدهای دولت عراق برای ارائه خدمات عمومی، از طریق صادرات نفت از مسیر تنگه هرمز تأمین می‌شود و اگر دولت عراق نتواند خدمات لازم را به شهروندان خود ارائه دهد، خطر بروز تنش‌ها و درگیری‌های داخلی در این کشور وجود دارد».

حالا عراق با جدیت بیشتر به دنبال مسیرهای جایگزین تنگه هرمز است و پروژه‌های متعدد ترانزیتی را در این زمینه دنبال می‌کند؛ از پروژه الشام‌الجدید و راه توسعه گرفته تا احیا و توسعه خط لوله کرکوک-بانیاس.

احیای خط لوله کرکوک-بانیاس در دستورکار آمریکا

میدل‌ایست‌آی خبر داده است که عراق، سوریه و آمریکا قصد دارند خط لوله تاریخی ۵۰۰ مایلی منتهی به سواحل مدیترانه را احیا کنند؛ اقدامی که بخشی از تلاش‌ها برای کاهش نفوذ ایران بر تنگه هرمز است. این خبری است که بنا به توضیحات میدل‌ایست‌آی مقامات ارشد عراقی و منطقه تأیید کرده‌اند و بناست که این پروژه هم‌زمان با دیدار علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق با دونالد ترامپ در کاخ سفید رونمایی شود. این منابع همچنین توضیح داده‌اند که تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه واشینگتن در امور سوریه و عراق، پیش از سفر الزیدی روی جزئیات این توافق کار کرده است و انتظار می‌رود سفر نخست‌وزیر عراق همچنین شامل توافقی در ایالت تگزاس، قطب صنعت انرژی آمریکا، باشد. به گزارش این رسانه یک مقام ارشد عراقی گفته است باراک روابط کاری خوبی با الزیدی برقرار کرده است و می‌خواهد این خط لوله را به الگویی برای پروژه‌های اقتصادی در منطقه شام تبدیل کند؛ پروژه‌هایی که به گفته او هم به نفع آمریکا و هم دولت‌های منطقه خواهد بود.

خط لوله کرکوک-بانیاس در سال ۱۹۵۲ افتتاح شد و روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت منتقل می‌کرد اما در سال ۲۰۰۳ و پس از حمله آمریکا به عراق بخش‌های زیادی از این خط لوله منفجر شد. چهار سال بعد شرکت روسی گازپروم تلاش کرد که این خط لوله را احیا کند اما به دلیل آنکه منابع مالی کافی در اختیار نداشت، این عملیات معلق شد. در سال ۲۰۱۰ روسیه و عراق توافق کردند دو خط لوله جدید از کرکوک به بانیاس بسازند که هرکدام روزانه ۱٫۵ و ۱٫۲ میلیون بشکه نفت را منتقل می‌کرد اما این طرح هم به سرانجام مشخص نرسید. پس از این ماجرا روسیه بار دیگر تلاش کرد که نه‌تنها خط لوله کرکوک-بانیاس را احیا کند که یکی از بازیگران مهم در قلمرو عراق باشد، به ویژه اینکه روسیه این نقش را در سوریه اجرا می‌کرد.

از همان سال ۲۰۱۰ روسیه میلیاردها دلار برای توسعه میدان‌های نفتی عراق سرمایه‌گذاری کرد؛ چراکه اعتقاد داشت این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند جای پای آمریکا را در منطقه کمرنگ کند. در آن سال‌ها بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که راه‌اندازی خط لوله کرکوک-بانیاس توسط روسیه و با حمایت دولت عراق نشانه نابودی منافع نفتی و نظامی آمریکا در بین‌النهرین است.

از آن سو دولت وقت عراق معتقد بود که با ساخت خط لوله کرکوک-بانیاس رؤیاهای جدایی‌طلبان کرد منطقه و مورد حمایت آمریکا را نقش‌برآب می‌کند؛ چراکه این خط لوله می‌تواند نقش دولت مرکزی را در میدان‌های نفتی شمال عراق پررنگ‌تر کند. ائتلاف دولت عراق و روسیه برای احیای این خط لوله نفتی، مورد استقبال تهران قرار گرفت و در سال ۲۰۱۴ ایران طرح اتصال میدان‌های نفتی خود را به خط لوله کرکوک-بانیاس مطرح کرد و به این ترتیب خط لوله‌های مهم انتقال انرژی در خاورمیانه می‌توانست در اختیار بلوک شرق قرار گیرد.

تغییر سرنوشت یک خط لوله مهم نفت

با این حال پس از جنگ روسیه و اوکراین و در نهایت جنگ در خلیج فارس، سرنوشت این خط لوله به کلی متفاوت شد. رویگردانی بازار اروپا از شراکت انرژی با روسیه سبب شد که جای پای سرمایه‌گذاران آمریکایی و اروپایی در میدان‌های نفت و گاز شمال عراق محکم‌تر شود. از آن سو با سقوط سوریه و خروج نظامیان روس از سوریه صحنه به کلی متفاوت شد. پس از ۱۳ سال جنگ داخلی و بیش از نیم‌قرن حاکمیت حزب بعث، بشار اسد به روسیه گریخت و مخالفان مسلح کنترل دمشق را به دست گرفتند. آنچه در پی این تحول رخ داد، نه‌فقط تغییر در ساختار قدرت، بلکه بازتعریف کامل جایگاه سوریه در منطقه بود. در فاصله یک سال، گره‌های تحریم یکی‌یکی گشوده شد، سرمایه‌گذاران غربی به دمشق بازگشتند و طرح‌های بلندپروازانه‌ای برای تبدیل سوریه به کریدور انرژی شرق مدیترانه روی میز قرار گرفته است. این تحولات در رویکرد سیاسی سوریه مخفی نماند و با سفر تاریخی احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه، به واشینگتن در نوامبر ۲۰۲۵ وجهه علنی گرفت. سفری که در آن، او به‌عنوان اولین رهبر سوریه پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۴۶ پا به کاخ سفید گذاشت و با دونالد ترامپ دیدار کرد و در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز، از آن به‌عنوان نقطه آغازی برای روابط راهبردی با آمریکا نام برد. همچنین در سپتامبر ۲۰۲۵، الشرع در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد؛ اولین حضور یک رئیس‌جمهور سوریه در این نهاد بین‌الملل پس از ۱۹۶۷. او در این نشست، سقوط نظام اسد را «آغاز فاز تاریخی جدیدی» خواند و بر اشتراک منافع با غرب تأکید کرد.

جنگ در خلیج فارس سبب شده است که سوریه طرح «چهار دریا» را به عنوان مسیری برای جایگزینی تنگه هرمز مطرح کند. هدف این طرح اتصال چهار پهنه آبی کلیدی یعنی خلیج فارس، دریای مدیترانه، دریای خزر و دریای سیاه از طریق خاک سوریه و ترکیه است. این طرح که با نام «ابتکار کریدور ۹» نیز شناخته می‌شود، به دنبال تبدیل سوریه و ترکیه به یک قطب بزرگ برای انتقال و توزیع انرژی است و تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه، این پروژه را در شورای آتلانتیک به‌طور رسمی مطرح کرد. حالا در ادامه این روند احیای خط لوله کرکوک-بانیاس مطرح شده است که با همکاری آمریکا، عراق و سوریه را به دریای مدیترانه متصل می‌کند. پیش از این ترکیه طرح‌های متنوعی برای دورزدن مسیر تنگه هرمز روی میز عراقی‌ها گذاشته و با آنها به توافق رسیده است.

چندی‌پیش آلپ‌ارسلان بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری آنادولو از پیشنهاد ترکیه به عراق خبر داده است که منطقه نفت‌خیز بصره در جنوب عراق را به شمال این کشور متصل می‌کند و عراق می‌تواند بدون نیاز به تنگه هرمز، نفت خود را از شمال این کشور به ترکیه و سپس اروپا صادر کند. خط لوله عراق-ترکیه، نفت کرکوک را به بندر مدیترانه‌ای جیهان در ترکیه منتقل می‌کند. این خط لوله ظرفیتی بیش از ۱٫۵ میلیون بشکه در روز دارد و می‌تواند حجم قابل توجهی از نفت عراق را بدون نیاز به خلیج فارس و تنگه هرمز صادر کند. همچنین ایده ساخت یک خط لوله گاز از قطر به ترکیه را دوباره مطرح کرد که از چند کشور از جمله عربستان سعودی، اردن و سوریه گذر می‌کند. به گفته بایراکتار، «بنابراین شما دیگر صادرات LNG ندارید. در حال حاضر هم نمی‌توانید از هرمز گذر کنید. حالا تصور کنید مقداری گاز از راه یک خط لوله به ترکیه و اروپا منتقل شود. ما یک مسیر صادراتی جایگزین برای شما باز می‌کنیم».

همچنین تسنیم در اردیبهشت ۱۴۰۵ خبر داد ترکیه قراردادی را با عراق امضا کرده که طی آن دولت بغداد ۲۰ سامانه پدافند هوایی را از ترکیه می‌خرد تا به وسیله آن امنیت میدان‌های نفت و گاز خود را تأمین کند. این قرارداد آنجا معنادارتر می‌شود که بخش قابل توجهی از میدان‌های نفت و گاز عراق در شمال این کشور و در نزدیکی ترکیه قرار دارد و سرمایه‌گذارانی از آمریکا، امارات و اسرائیل در این میدان‌ها حضور دارند و به دنبال تأمین پایدار انرژی اروپا از طریق میدان‌های شمالی عراق هستند. این میدان‌ها بارها در جریان حملات راکتی ایران به مواضع نیروهای مخالف ایران آسیب دیده‌اند.

کشاورزان بازنده زاینده‌رود

عاطفه علیان: روز از غروب گذشته است. در شرق اصفهان، جایی میان ۲۵ درصد زمین‌هایی که زیر کشت رفته، حاج‌رحیم رحمانی، ۶۲ساله کنار لب کانالی نشسته و با دست به مزرعه اشاره می‌کند: «پارسال همین موقع گندم داشتیم. وقتی گندم رفت توی مرحله دانه‌بستن، آب را بستند... همه‌چیز از بین رفت. امسال هم همین ترس با ماست، فقط نام محصول به ذرت تغییر کرده است».

گندم‌هایی که به نان نرسیدند

کشاورزان شرق اصفهان، خاطره تلخ سال گذشته را فراموش نکرده‌اند. حاج‌رحیم می‌گوید: «همه چیز طبق برنامه پیش رفت؛ زمین آماده شد، بذر و کود تهیه کردیم و وام گرفتیم اما در حساس‌ترین مرحله رشد، آب نرسید. گندم هفت تا هشت نوبت آب می‌خواهد، اما چهار نوبت بیشتر ندادند». این تنها نابودی محصول نیست؛ «اعتماد» است که در خشکی زمین، دفن می‌شود.

قمار ذرت و ارزن

امسال ۲۵ درصد کشت در اراضی شرق به ذرت علوفه‌ای و ارزن اختصاص یافته است. ذرت، برخلاف ظاهر ساده‌اش، نیازمند آب پیوسته و قابل برنامه‌ریزی است. کشاورزان می‌گویند مشکل اصلی، کم‌آبی مطلق نیست؛ بلکه «بی‌برنامگی» است. یکی از کشاورزان جوان می‌گوید: «ما با کم‌آبی کنار می‌آییم، اما با قطع و وصل شدن غیرمنطقی جریان آب نه. ذرت با این نوسان زنده نمی‌ماند؛ هزینه تولید سرسام‌آور است و این یعنی یک قمار تمام‌عیار با سرمایه زندگی».

الگوی فرساینده؛ بازگشایی‌هایی که آب را می‌بلعد

از خردادماه تاکنون، سه نوبت رهاسازی آب انجام شده؛ یک الگوی ثابت: دو هفته آب، یک هفته قطع، دوباره دو هفته آب. در نگاه کشاورزان، این الگو نه مدیریت آب، بلکه چرخه‌ای فرساینده است که بیش از آنکه آب به مزرعه برساند، در رفت‌وآمدِ پی‌درپی تلف می‌کند. در جلسه ۲۶ خردادماه در «وجاره»، حسین وحیدا، رئیس اتاق اصناف کشاورزی اصفهان، بر مطالبه قاطع کشاورزان تأکید کرد: «جریان آب به‌هیچ‌وجه نباید قطع شود؛ رودخانه باید با دبی کم اما دائمی زنده بماند». آنها معتقدند مسئله، «جریان پایدار» است، نه حجمِ زیاد ناپایدار. در سوی دیگر، متولیان توزیع آب معتقدند شبکه سنتی برایِ دبی‌های پایین طراحی نشده و توزیع یکنواخت جریان کم ممکن نیست. اما کارشناسان مستقل آب معتقدند این «بهانه‌ای فنی» برای سرپوش گذاشتن بر نقص مدیریت است. پیشنهاد راهبردی متخصصان، جایگزینی مدل کنونی با «لوله‌گذاری‌های مقطعی» یا «ایجاد حوضچه‌های تعادلی» در مسیرهای پرتلفات است؛ راهکاری که هزینه‌اش بسیار کمتر از خسارت اقتصادی نابودی کشاورزی در شرق اصفهان است.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده)

شناسه آگهی ۲۲۱۹۰۵۰
نوبت دوم

سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت در نظر دارد انجام تامین نیروی انسانی راهبری، تعمیرات و نگهداری از تاسیسات بهداشت و درمان اهواز با مشخصات و شرایط کلی زیر را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی(فشرده) به شرکت واجد شرایط واگذار نماید . کلیه فرآیندهای ارزیابی کیفی مناقصه گران، دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir با شماره ثبت ۲۰۰۵۰۹۳۸۲۳۰۰۰۰۱۰ انجام خواهد شد.
۱. برآورد اولیه و تقریبی مناقصه دوساله : ۳۲۲.۳۴۵.۹۷۴.۸۴۰ ریال می باشد .
۲. نوع، کمیت و کیفیت خدمات : تامین نیروی انسانی راهبری، تعمیرات و نگهداری از تاسیسات بهداشت و درمان اهواز
۳. محل و مدت انجام خدمات :استان خوزستان- اهواز به مدت ۲۴ ماه شمسی
۴. بارگذاری مدارک و مستندات مربوطه مطابق با فرم استعلام ارزیابی کیفی ، ضمناً در صورتی که مدارک مذکور از طریق سامانه های مربوطه قابل استعلام باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت .
۵. داشتن توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۱۶.۱۱۷.۲۹۸.۷۴۲ ریال مطابق ضوابط اعلامی از سوی کارفرما و قابل استعلام از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، طبق تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲ / ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۲۲ / ۰۹ / ۱۳۹۴ هیات محترم وزیران (به استثناء بانک های پاسارگاد و سپه)
۶. مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه : ۷ روز پس از چاپ نوبت دوم آگهی روزنامه
۷. مهلت تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه : ۱۴ روز پس از اتمام مهلت دریافت اسناد ردیف ۶
۸. تاریخ گشایش پاکتهای مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اعلام می گردد .
۹. پاکتهای الف، ب و ج مناقصه گرانی بازگشایی می گردد که حداقل ۶۰ امتیاز کیفی را کسب نمایند.
۱۰. اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار :
آدرس : تهران، میدان ولیعصر(عج)، ابتدای خیابان کریم خان، خیابان به آفرین، پلاک ۲۶، طبقه ۶ ، دبیرخانه کمیسیون مناقصات - کد پستی : ۱۵۹۳۸۱۶۳۸۴
تلفن تماس: امور پیمان ها ۸۸۸۹۲۱۵۳ - ۰۲۱ ، دبیرخانه کمیسیون مناقصات ۸۳۳۰۶ داخلی ۳۲۱ و ۳۲۴
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ۱۴۵۶- ۰۲۱
مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، می بایست مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد را به انجام رسانند .

www.shana.ir–www.piho.ir
روابط عمومی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت

شرکت ملی مناطق نفتخیز

فراخوان مناقصه عمومی(ارزیابی کیفی)
نوبت اول

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۰۴۱/۰۵ مربوط به خدمات پشتیبانی-پایش مستمر-سرویس و نگهداری-بازسازی-تعویض تلمبه های از کار افتاده و تامین کلیه تجهیزات و خدمات مورد نیاز در ۳۲ حلقه چاه مجهز/کاندید نصب تلمبه میله ای مکشی (SRP) در میادین اهواز-منصوری -مسجد سلیمان و سایر مناطق عملیاتی تحت پوشش شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
الف- شرح مختصر خدمات
خدمات پشتیبانی- پایش مستمر- سرویس و نگهداری- بازسازی- تعویض تلمبه های از کار افتاده و تامین کلیه تجهیزات و خدمات مورد نیاز در ۳۲ حلقه چاه مجهز/کاندید نصب تلمبه میله ای مکشی (srp) در میادین اهواز- منصوری - مسجد سلیمان و سایر مناطق عملیاتی تحت پوشش شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در مناطق نفتخیز جنوب و مدت انجام آن ۴۸ ماه می باشد.
ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۴,۳۶۴,۰۷۵,۵۵۰,۰۰۰ریال و -/۲,۲۸۴,۳۷۸یورو می باشد
د-شرایط مناقصه گران متقاضی
- مناقصه گران دارای حداقل پایه ۴ پیمانکاری در رشته نفت و گاز و یا داشتن سوابق، تجربه و تخصص لازم در زمینه تأمین، نصب و راه اندازی و خدمات پشتیبانی پمپهای میله ای مکشی (SRP)باشند. - تأمین کلیه تجهیزات تلمبه می بایست از سازندگان مندرج در فهرست بلند وزارت نفت(AVL) در زمینه تلمبه های میله ای مکشی (SRP) صورت پذیرد. - باتوجه به یک مرحله ای بودن مناقصه، تمامی تجهیزات در مرحله ارزیابی کیفی توسط نمایندگان کارفرما مورد بازدید قرار خواهد گرفت و ملاک امتیازدهی به تجهیزات: بارگذاری اسناد مربوط به مشخصات فنی و مالکیت مربوط به هر تجهیز توسط مناقصه گر در سامانه و صحه گذاری و رویت تجهیزات و تطابق مشخصات در زمان بازدید و ارزیابی کیفی، توسط کارشناسان کارفرما خواهد بود. - در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت های بومی استانی می باشد. - مناقصه گران توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۱۸۸,۲۲۳,۶۶۳,۹۲۱ ریال یا -/۱۱۳,۸۰۶/۷۱ یورو همچنین ۱۰٪ مبلغ ریالی پیمان و ۱۰٪ مبلغ ارزی پیمان (در صورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات را داشته می باشد- ارائه آخرین نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی در زمان انعقاد قرارداد الزامیست. مبنای پذیرش در خصوص هر گونه گزارش حسابرسی صورت های مالی، بارگذاری گزارش مذکور از طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران (قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) با قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می باشد)- مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی باشد.
هـ-محل و مهلت دریافت اسناد
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی کیفی)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران به‌عمل آید.
*مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۵ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۳
ضمناً متقاضیان می بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۴روز (از آخرین روز مهلت اعلام آمادگی) مدارک ارزیابی کیفی خود را مطابق با اطلاعات درخواست شده در استعلام ارزیابی کیفی از طریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میدارد به مدارکی که شرایط مندرج در متن آگهی و استعلام ارزیابی کیفی را لحاظ ننموده اندترتیب اثر ندهد.
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان واجد الشرایط در مرحله ارزیابی کیفی مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است.همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.
شناسه : ۲۲۲۳۳۳۴

WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir
امور حقوقی و قراردادها - مناطق نفتخیز
۲۵۷۰